

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

چریکهای فدائی خلق ایران

۰۲ سپتمبر ۲۰۱۶



## در باره درگذشت فیدل کاسترو و انعکاس جهانی آن

فیدل کاسترو، کسی که انقلاب کوبا را به همراه یاران انقلابی اش به ثمر رسانده بود روز جمعه ۲۵ نومبر ۲۰۱۶ در سن ۹۰ سالگی درگذشت. انعکاس جهانی این خبر با توجه به این که از هشت سال پیش او به طور رسمی از رهبری دولت کوبا کناره گیری کرده بود، خود نشان دهنده جایگاه وی به عنوان یکی از طلایه داران مبارزه مسلحانه علیه سلطه امپریالیستی در دهه ۵۰ میلادی و مخالفت های او با امپریالیسم امریکا و تلاش هایش برای ساختمان کوبائی آزاد از سلطه امپریالیسم می باشد.

فیدل رهبری بود که به گزارش روزنامه گاردین، سازمان های اطلاعاتی ایالات متحده امریکا از زمان قدرت گیری نیروهای انقلابی در کوبا (در جنوری سال ۱۹۵۹) تا زمان مرگش (۲۵ نومبر ۲۰۱۶) حدود ۶۳۴ بار برای کشتنش تلاش نموده بودند. روشن است که این تلاش های ضد انقلابی و ناموفق، انعکاسی از موقعیت او در رهبری کوبا و تخالف دولت کوبا با سیاست های تجاوزگرانه امپریالیسم امریکا در امریکای لاتین و بقیه جهان بود. سوءقصد های مذبحخانه ای که در کنار تحریم های شدید و غیر انسانی اقتصادی، می کوشید نه تنها از رشد و شکوفائی کوبا جلوگیری نماید، بلکه آن را در مقابل اراده ضدخلفی امپریالیسم امریکا به زانو درآورد.

به دنبال درگذشت فیدل کاسترو، در باره وی همچون هر پدیده ای، نظرات گوناگونی شنیده می شود چه در قدرانی از او و چه در محکوم کردن وی. برای نمونه در حالی که ضدانقلابیون کوبائی در میامی امریکا که تعداد محدودی هم می باشند، در مرگ او جشن گرفتند، هزاران کوبائی در فقدان او اشک ریختند. در این میان البته میلیون ها تن نیز در سراسر دنیا در فضای ایجاد شده در اثر مرگ او دوباره خاطره تمام جانبازی های الهام بخش توده های تحت ستم کوبا و رهبران شان در جریان انقلاب کوبا علیه امپریالیسم امریکا و رژیم تبهکار باتیستا را پاس داشتند. این امر در دورانی که ما زندگی می کنیم و در جامعه ای طبقاتی که در آن به سر می بریم امر عجیبی نیست. این واقعیت در صفوف اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز قابل مشاهده می باشد و ما شاهد برخوردهای گوناگونی در مورد نقش و شخصیت فیدل کاسترو می باشیم. مثلاً شاهدیم که در حالی که برخی با تکیه بر گذشته انقلابی او می کوشند اشتباهات و انحرافات آشکار وی و دولتش پس از انقلاب کوبا و تبدیل تدریجی کوبای انقلابی به یکی از اعوان و انصار بین المللی رویونیست های حاکم بر شوروی در جریان جنگ سرد و تبعات این سیاست را به حاشیه برانند و کمرنگ سازند،



شوروی سابق بود که در جریان حل تضادهای غارتگرانه اش با امریکا در جهت حفظ و گسترش نفوذ خود می کوشید. یکی از نمودهای سیاست خارجی نادرست کوبا همانا ایجاد رابطه حسنه با رژیم جمهوری اسلامی می باشد. شکی نیست که سیاست های خارجی یک کشور جدا از سیاست های داخلی آن نمی تواند باشد. بر این اساس می توان دید که دولت کوبا هرگز نه اقتصاد سوسیالیستی را در آن کشور بر پا نمود و نه توانست مردم خود را از رفاه و آزادی های گسترده ای برخوردار سازد که در یک نظام سوسیالیستی اصولاً باید اکثریت آحاد جامعه از آن ها برخوردار شوند.

بنابراین اگر از زاویه ای درست و با دیدی تاریخی - علمی به مسأله نگاه کنیم متوجه می شویم که فیدل کاستروئی که با یارانش به موناکادا (پادگانی در شهر سانتیاگو) حمله نمود و سپس به این خاطر دستگیر و زندانی شد، فیدل کاستروئی که پس از آزادی به مکزیک رفت و سپس با "گرانما" (نام کشتی که معروف و تاریخی شد) به سواحل کوبا بازگشت و در محاصره نیرو های باتیستا خیلی از یارانش را از دست داد و سپس با عده محدودی از یاران باقی مانده اش به "سئیرا ماسترا" رفت و توانست با بسیج توده ها انقلاب کوبا را رهبری کند و با پیروزی این انقلاب توده ئی به قدرت رسید همان فیدلی نیست که بعداً برای سال هائی طولانی دولت کوبا و سیاست های آن را هدایت نمود.

اما با در نظر گرفتن همه نقاط مثبت و منفی در رابطه با نقش فیدل کاسترو در رهبری کوبا برای قضاوت هر چه واقعی تر بهتر است به جامعه کنونی کوبا رجوع کرد تا با مقایسه واقعیات عینی جاری در این کشور با کشورهای دیگر از جمله همسایگان کوبا و با جامعه ایران تحت سلطه امپریالیسم ، درکی واقع بینانه از عملکرد او و میراثش به دست آوریم. این مقایسه لازم به خصوص افشاگر اوج بی مسؤولیتی و برخی فریبکاری پیاوه گویانی ست که می کوشند با صرف تکیه بر روابط دیپلماتیک دولت کوبا با کشور های مختلف، هم نوا با تبلیغات امپریالیست ها و مرتجعین، تمامی دستاوردهای مردمی ایجاد شده در اثر انقلاب کوبا و ارزش های این انقلاب و کمونیسم را آماج حملات خود قرار دهند. در مورد این دسته باید گفت که این ها نیروهائی هستند که می کوشند با تکیه بر کوبائی که هرگز یک کشور سوسیالیستی نبود آرمان های سوسیالیستی را تخطئه کنند و با این کار در واقع وظیفه مداحی شان از نظام سرمایه داری را به پیش ببرند. در مواجهه با چنین اراجیفی رجوع و بررسی معیارهائی نظیر سطح زندگی، کار، بهداشت، آموزش، خدمات عمومی بهترین پاسخ به این گروه از منتقدان کوبا و فیدل کاستروست که ثابت کرده اند ، خواست ها و دغدغه های طبقات ستمدیده و توده های زحمتکش، مسأله آن ها نیست.

انقلاب کوبا در همان اولین روزهای پیروزی اش با شروع روند عمیق ترین اصلاحات در ساختارهای جامعه کهنه، و از جمله اقدام به اصلاحات ارضی و تقسیم زمین در بین دهقانان و ایجاد تغییرات چشمگیر در سیستم بانکی و مالیاتی و کلاً در اقتصاد کوبا ، توانست ضمن پاسخ گوئی به مطالبات دمکراتیک مردم، وسیع ترین توده های زحمتکش را حول آرمان ها و اهداف خود بسیج کند. در اثر چنین اقداماتی بود که کوبا به پیشرفت های اقتصادی بزرگی در مدت زمان کوتاهی نایل آمد. به طوری که امروز به طور مثال ما می بینیم در کوبا آموزش رایگان تا سطح تحصیلات عالی و از جمله آموزش های عالی یک حق شهروندی شمرده می شود و برای تحقق این حق دولت کوبا در مقایسه با دیگر کشورها در جهان، بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی خود را صرف آموزش و پرورش شهروندان کوبائی می کند. همچنین در کوبا مراقبت های بهداشتی به عنوان یکی از حقوق اولیه شهروندی در نظر گرفته می شود و از این رو مراقبت های بهداشتی همگانی برای تمام شهروندان مجانی است.

در چنین شرایطی است که نرخ مرگ و میر نوزادان در کوبا مطابق آمار منتشره در سال ۲۰۱۴ یکی از کمترین نرخ ها در جهان و برابر با ۴/۲ در هر ۱۰۰۰ تولد می باشد. این ها همه در حالی ست که در بغل گوش همین کشور در به

اصطلاح مهد تمدن و آزادی یعنی ایالات متحده آمریکا، هزاران تن از مردم هر سال به علت نداشتن استطاعت مالی و عدم دسترسی به خدمات پزشکی در این بزرگ‌ترین اقتصاد جهان، جان می‌دهند. در جامعه‌ای که اقشار تنگدست و فقیر از سطوح عالی آموزش و پرورش محرومند. به راستی کدام یک از کشورهای پیشرفته اروپایی و آمریکایی را می‌توان نام برد که با وجود داشتن اقتصاد کلان و ثروت‌های نجومی بتوانند با کوبای کوچک که دارای یک اقتصاد بسیار کوچک هم هست، با نرخ سواد صد در صد رقابت کنند؟ با همین مثال‌ها به نظر می‌رسد که دیگر نیازی نیست کوبا را با کشورهای نظیر ایران که در زنجیره نظام امپریالیستی ادغام و حل شده‌اند و بی‌سرپناهان و کارتن‌خواب‌ها در آن جاها در گرسنگی دائم به سر می‌برند و می‌میرند، مقایسه کنیم. چرا که چنین مقایسه‌ای در تمام زمینه‌های رفاهی و خدمات اجتماعی اگر منصفانه صورت گیرد چیزی جز شرمساری نصیب منتقدان بی‌مسئولیت کوبا و فیدل کاسترو در این زمینه نمی‌کند.

بررسی شخصیت و اعمال فیدل کاسترو بر بستر انقلاب کوبا، فراز و نشیب‌های آن و فرایند آن از یک انقلاب توده‌نی پیروزمند به سیستمی که بر بستر فشارها و تحریم‌های وحشیانه امپریالیست‌ها و در غلظتین به دامن رویونیست‌های حاکم بر شوروی از آرمان‌های سوسیالیستی فاصله گرفت، نظامی که به دنبال پایان جنگ سرد نیز به تدریج به عقب نشینی‌های بیشتر در مقابل نفوذ و گسترش امپریالیسم و بازار آزاد آن کشیده شد، نشان می‌دهد که گرچه این انقلاب و رهبران کنونی آن بی‌تردید از مسیر سوسیالیسم و اهداف انقلاب مردمی سال ۱۹۵۹ منحرف شدند، اما دستاوردهای آن انقلاب و سیاست‌های رهبرانی نظیر کاسترو، منجر به فراهم آمدن حداقل‌هایی برای مردم کوبا گشت؛ به گونه‌ای که آن‌ها توانستند طعم و نشانه‌هایی از برخی جوانب یک زندگی انسانی، آن هم در یک جهان تحت سلطه امپریالیسم و مملو از دیکتاتوری و استثمار را حس کنند و بچشند.

در انتها باید در ارتباط با انقلاب پیروزمند کوبا، برخی نیروهای فرصت‌طلب و سازشکار و اکثراً توده‌نی مسلک وطنی را خطاب قرار داده و به آن‌ها که در کوران تبلیغات زهر آگین امپریالیست‌ها علیه این انقلاب و علیه کمونیسم و مبارزه قهر آمیز فرصت را برای تحریف خود انقلاب کوبا آماده می‌بینند، تأکید کرد که خلاف القانات تفکر توده‌نی آن‌ها انقلاب کوبا "افسانه ۱۲ مرد طلایی" تنگ به دست که کوشیدند به نیابت از توده‌ها انقلاب کنند، نبود بلکه این انقلاب مظهر برجسته اصل "انقلاب کار توده‌هاست" بود. کاسترو و یارانش در شرایط سلطه امپریالیستی و با تشخیص عقیم بودن شیوه‌های مسالمت آمیز مبارزه، با برداشتن سلاح و آغاز جنگ مسلحانه توانستند امر بسیج و سازماندهی توده‌ها در جریان یک مبارزه مسلحانه را متحقق کنند و توانستند با کشیدن توده‌ها به میدان مبارزه و با اتکاء به قدرت کارگران و دهقانان مسلح، ستون اصلی بقای نظام استثمارگرانه بورژوازی در کوبا یعنی ارتش را در هم بشکنند و شرط پیروزی انقلاب توده‌نی کوبا را مهیا سازند. این کار عظیم در شرایطی صورت گرفت که انواع و اقسام احزاب سنتی راست و سازشکار با نفی مبارزه مسلحانه فیدل و یارانش، ورشکستگی سیاست‌های شان را در جریان رویدادهای مختلف به نمایش می‌گذاشتند. انقلاب کوبا تجارب زیادی را برای نه تنها توده‌ها و نیروهای انقلابی در امریکای لاتین بلکه برای تمامی ستم‌کشان جهان که علیه امپریالیسم و رژیم‌های وابسته اش مبارزه می‌کنند بر جای گذارد و بر ضرورت پیشاهنگی کمونیست‌ها در امر پیشبرد مبارزه مسلحانه و انقلاب قهر آمیز به عنوان تنها راه نابودی امپریالیسم و سلطه امپریالیستی تأکید نمود.

مرگ فیدل کاسترو فرصتی برای تمام کمونیست‌ها و آزادیخواهان واقعی ست تا با توضیح واقعیات انقلاب کوبا و نقش طولانی فیدل کاسترو در رهبری این روند در مقابل تبلیغات ضد کمونیستی امپریالیست‌ها و مرتجعین علیه کمونیسم و انقلاب بایستند و در همان حال تأکید کنند که کوبا به رغم تمامی پیشرفت‌های غیر قابل انکاری که نظیر آن‌ها حتی در

بیشترفته ترین کشورهای سرمایه داری معاصر نیز وجود ندارد "مدل" سوسیالیسم طبقه کارگر نیست. با این حال کوبا با ایستادگی در مقابل امپریالیسم امریکا توانست بخشی از مطالبات مردمش را پاسخ دهد. این تنها راه بزرگداشت واقعی انقلاب کوبا و خدماتی ست که فیدل کاسترو در طول سالهای طولانی رهبری اش در این انقلاب با وجود همه لغزش ها و انحرافاتش انجام داده است.

**نابود باد نظام سرمایه داری در سراسر جهان!**

**زنده باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!**

چریکهای فدائی خلق ایران

۲۹ نومبر ۲۰۱۶

### **یادداشت:**

ما همیشه به این اصل باورمند بوده و جهت تطبیق آن رزمیده ایم که حین بررسی شخصیت و نقش انسانها در تاریخ، می باید با آنها به مثابه انسان و در بستر تاریخ برخورد نموده، از "اسطوره سازی" و "شیطان سازی" آنها خودداری ورزید. چنین طرز دیدی به ما می آموزاند که انسانها بدون استثناء در کنار کار مثبت، می توانند مصدر کارهای منفی نیز باشند. برخورد تاریخی با آنها به آن معناست که هم از نکات مثبت زندگانی آنها می باید با امانتداری کامل یاد نموده تجلیل به عمل آورد و هم نکات منفی زندگانی آنها را با شجاعت انقلابی به باد انتقاد گرفته، ضمن آن که با چنین نگرشی اصل "معصومیت" را در یک بررسی مادی تاریخی می باید از اساس منتفی ساخت، با نقد آگاهانه و دقیق راه تجربه آموزی مثبت را از زندگانی افراد نیز می شود هموار ساخت.

با حرکت از همین موضع به خود حق می دهیم بنویسیم:

ما ضمن آن که به مبارزات انقلابی "کاسترو" احترام عمیق خود را ابراز می داریم و ایستادگی وی را مقابل امپریالیسم جنایتگستر امریکا، امری ستودنی و آموزنده می دانیم، علاوه از این که مواضع اپینولوژیک وی را حین انشعاب در جنبش بین المللی کمونیستی که چیزی جز مبارزه و انتخاب بین "روزیونیسم" و "مارکسیزم لنینیسم" نبود، قابل انتقاد می دانیم، با صراحت اعلام می داریم که حمایتش از رژیم مزدور و جنایتکار وابسته به روس در افغانستان، که گذشته از قتل عام بیش از یک میلیون افغان، من جمله هزاران کمونیست پاکباز، کشور ما را به تباهی سوق داده، دو دسته به کام امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی انداخت، لکه سیاه ننگینی است بر دامن شخص "کاسترو" و حزب کمونیست "کوبا" که نه می شود از آن دفاع کرد و نه هم کسی حق دارد آن را کتمان نموده، معکوس و منقلب جلوه دهد.

اداره پورتال AA-AA